

در آنچه در چهارچوب ابتکار کمربند و جاده مطرح شده است، می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. نباید فراموش کرد که وقتی صحبت از همکاری و شراکت می‌شود به معنای این نیست که کشورهای همکار و شریک باید در کلیه موضوعات بین‌الملل مانند هم فکر کنند؛ مثلاً در خود اروپا ضمن اینکه کشورها متحد هستند ولی در برخی زمینه‌ها ممکن است اختلافاتی داشته باشند.

■ **با این اوصاف می‌توان گفت که شرایط برای تبدیل تهران و مسکو به یک متحد استراتژیک تمام‌عیار محقق شده است؟**

معتقدم الان ایران و روسیه هم از نظر داخلی هم منطقه‌ای و هم جهانی در یک شرایط بسیار مناسبی برای ارتقای سطح روابط خود قرار دارند. اولاً در سطح داخلی بخصوص با توجه به دولت جدید در ایران، عزم و اراده جدی برای ارتقای سطح رابطه با روسیه شکل گرفته است. بویژه که در ایران گفتمان سیاست خارجی واحدی در سطح حاکمیت شکل گرفته است و آن دوگانگی حکمرانی که برخی وقت‌ها بین قوه مجریه و سایر ارکان نظام وجود داشت، دیگر وجود ندارد. این بسیار نکته مهمی است و یکی از نگرانی‌های روسیه و چین هم اتفاقاً همین بوده که همیشه نگرانند که آیا دولت ایران، نمایندگی کل نظام و حاکمیت را در مناسبات خودش با این کشورها دارد یا نه. این مسأله پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم کاملاً تثبیت شده است که دیگر سیاست خارجی دولت با سایر نهادهای کشور متفاوت نیست.

از سوی دیگر باید گفت که موقعیت پوتین در روسیه تثبیت شده است و هر دو کشور از غرب‌محوری در سیاست خارجی عبور کرده‌اند. حالا برخی این را مأیوس شدن از غرب می‌دانند اما من به صورت ارادی می‌دانم و معتقدم این تغییر رویکرد از سر اضطرار نیست بلکه یک انتخاب راهبردی است. از سوی دیگر تجربه موفق همکاری دو کشور در سوریه باز شرایط را برای ارتقای روابط دو کشور فراهم کرده است. ضرورت همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای هم در قفقاز و آسیای مرکزی ایجاد می‌کند دو کشور در سطح روابط دیپلماتیک خود را ارتقا دهند. همچنین در سطح بین‌المللی افول هژمونی آمریکا و آغاز روابط بین‌الملل جدید و بازیگران نوظهوری مانند «بریکس» شرایط ویژه‌ای را به وجود آورده که ایران و روسیه بتوانند سطح روابط خود را ارتقا دهند. عضویت ایران در شانگهای باز شرایط را به نوعی ارتقا بخشیده است. ایران برای عضویت در جرگه کشورهای «بریکس» می‌تواند باز شرایط بهتری را ایجاد کند.

■ **روسیه و چین بعد از سال‌ها نسبت به عضویت ایران در سازمان همکاری منطقه‌ای «شانگهای» چراغ سبز نشان دادند. با این رویداد، تاجه اندازه ظرفیت‌های اقتصادی برای ایرانی گشوده شده که می‌خواهد فشارهای برجام و تحریم‌های آمریکا را از روی خود بردارد و تأمین منافع خود را متوجه حوزه آسیا کند؟**

با توجه به شرایط ایران و روسیه و حتی چین در رقابت‌های اقتصادی که با آمریکا یا هژمونی این کشور دارند، ظرفیت‌های نهادی و بین‌المللی مانند شانگهای یا اتحادیه کشورهای اوراسیا می‌تواند زمینه‌هایی را برای گسترش روابط اقتصادی بین کشورهای عضو به خصوص با چین و روسیه ایجاد کند و حداقل از میزان فشارهای اقتصادی آمریکا و تحریم‌ها بکاهد. به خصوص که امریکایی‌ها و فراتر از آن غربی‌ها درصدد ایجاد تحریم‌های مشابهی علیه روسیه هم هستند. این مسأله منافع مشترکی بین دو کشور ایجاد می‌کند برای مقابله با تحریم‌های بین‌المللی که به صورت یکجانبه یا ثانویه است. اگر چینی‌ها و روس‌ها به این جمع بندی و اطمینان خاطر برسند که جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود جایگاه مشخصی را برای آنها از منظر راهبردی در نظر دارد، می‌توانند به‌طور گسترده در حوزه‌های اقتصادی هم همکاری داشته باشند. یکی از اتفاقاتی که پس از امضای برجام به درستی رخ داد، این بود که چین و روسیه به این نتیجه رسیدند که نگاه دولت ایران به اروپا و غرب است و آنها را در درجه دوم اهمیت قرار داده است اگر دولت آقای رئیسی بتواند این اطمینان خاطر را به این دو کشور بدهد که روابطش با چین و روسیه و سایر کشورهای آسیایی بر اساس منافع راهبردی و مستقل از اتفاقات در رابطه ایران و غرب است، می‌تواند کمک کننده تأمین منافع ملی باشد.

تجربه سوریه نشان داد، ایران و سوریه به یکدیگر نیاز دارند و می‌توانند با هم همکاری کنند و این برخلاف تحلیل‌هایی است که ایران را به گونه‌ای نیازمند روسیه می‌دانند. در حالی که روس‌ها هم در سطح منطقه‌ای هم بین‌المللی به جمهوری اسلامی ایران نیاز دارند.

■ **همسویی تهران و مسکو در ماه‌های گذشته از روند رو به پیشرفت این رابطه حکایت دارد و در عین حال ایران با روسیه و چین، همسویی سه جانبه خود را در مواجهه با یکجانبه‌گرایی امریکانمایان کرده است. سمت و سوی این همکاری چندجانبه را چگونه می‌بینید؟**

اتحاد یک معنای خاص در روابط بین‌الملل دارد. من نمی‌گویم اتحادی میان سه کشور در حال شکل‌گیری است اما در آینده ممکن است باشد اما در شرایط کنونی نمی‌توان گفت مناسبات سه کشور به عنوان مناسبات استراتژیک مطرح است بلکه می‌توان از آن، به عنوان همکاری‌های راهبردی یاد کرد که بین ایران و روسیه و ایران و چین جاری است. در حقیقت باید گفت که سه کشور در شرایط شراکت راهبردی هستند که طبیعتاً پس از همکاری و شراکت راهبردی ممکن است به اتحاد راهبردی هم برسند. ضمن اینکه منافع مشترکی در روابط ایران و روسیه یا ایران و چین و همچنین بین سه کشور وجود دارد. بویژه خود روسیه و چین نیم نگاهی به یکدیگر در توسعه رابطه با ایران هم دارند؛ یعنی بین این دو کشور برای توسعه رابطه با ایران نوعی رقابت وجود دارد که جایگاه ایران را هم در سیاست خارجی روسیه و هم سیاست خارجی چین افزایش می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران



معتقدم الان ایران و روسیه هم از نظر داخلی هم منطقه‌ای و هم جهانی در یک شرایط بسیار مناسبی برای ارتقای سطح روابط خود قرار دارند. اولاً در سطح داخلی بخصوص با توجه به دولت جدید در ایران، عزم و اراده جدی برای ارتقای سطح رابطه با روسیه شکل گرفته است. بویژه که در ایران گفتمان سیاست خارجی واحدی در سطح حاکمیت شکل گرفته است و آن دوگانگی حکمرانی که برخی وقت‌ها بین قوه مجریه و سایر ارکان نظام وجود داشت، دیگر وجود ندارد. این بسیار نکته مهمی است و یکی از نگرانی‌های روسیه و چین هم اتفاقاً همین بوده که همیشه نگرانند که آیا دولت ایران، نمایندگی کل نظام و حاکمیت را در مناسبات خودش با این کشورها دارد یا نه. این مسأله پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم کاملاً تثبیت شده است که دیگر سیاست خارجی دولت با سایر نهادهای کشور متفاوت نیست

همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های کشور برای تأمین منافع ملی ایران استفاده کنیم. بنابراین سیاست نگاه به شرق توازی نگاه به غرب است و ایران براساس موازنه منافع می‌گیرد که دارد تصمیم می‌گیرد با همه مناطق از جمله اینکه هم با شرق و هم با غرب رابطه داشته باشد. حالا اینکه خود کشورهای غربی نمی‌خواهند روابط مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک با ایران داشته باشند، بحث دیگری است و گر نه سیاست خارجی ایران هیچ‌وقت محدود به یک منطقه خاصی نبوده است. بنابراین به اعتقاد من این سفر در این شرایط کاملاً مخالف با رویکرد غرب‌محور است. ایران بخصوص در دوره سیزدهم فارغ از رابطه با غرب جایگاه مستقلی را برای روابط با کشورهای شرقی و آسیایی و همسایگان خود تعریف کرده است. در واقع این سفر می‌تواند مؤید این باشد که جمهوری اسلامی فارغ از اینکه روابط ایران با غرب چگونه است به دنبال مشخص کردن جایگاه رابطه با شرق است که فقط شامل روسیه نمی‌شود. روسیه یکی از کشورهای آسیایی و شرقی است که می‌تواند در این برنامه قرار گیرد بنابراین من مخالف این دیدگاه هستم که متأسفانه در رسانه‌های ما بسیار برجسته می‌شود که هرگونه توسعه رابطه با هر کجای دنیا که خیلی مبتنی بر اصالت رابطه با غرب نباشد با دیده شک و تردید به آن نگریسته می‌شود. با چین و هند هم همین‌طور است از این‌رو هدف سفر بالفعل کردن ظرفیت‌های معطل مانده دو کشور برای روابط و همکاری‌های متقابل و قابلیت‌های دو طرف است. بنابراین رابطه با روسیه تابعی از رابطه با غرب نیست.

■ **اعتنای روسیه به تعمیق روابط با ایران تاجه اندازه متأثر از رقابت‌های رو به افزایش مسکو و واشنگتن است؟**

من نمی‌خواهم بگویم عامل رابطه با غرب در سیاست خارجی دو کشور بی‌تأثیر است اما معتقدم رابطه کشور و سیاست خارجی دو کشور را نباید صرفاً تابعی از رابطه با غرب دانست به هر حال کشورهایی که اشاره کردم برای توازن‌بخشی در سیاست خارجی خود را رابطه با سایر کشورها استفاده می‌کنند. طبیعی است که روند مناسبات با آمریکا می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در شرایطی که دو کشور با آن روبه‌رو هستند، باشد. ولی اینکه بگویم سیاست خارجی دو کشور تابعی از آن است، درست نیست.

■ **از اشارات شما می‌توان به سؤال مهم‌تری رسید اینکه در شرایط کنونی منافع مهم دو کشور بیشتر در چه عرصه‌هایی قابل تعریف است؟ آیا این منافع بیشتر در حوزه همکاری‌های امنیتی و دیپلماتیک مورد توجه است؟**

شرایط داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند تسهیل‌کننده و تشدیدکننده توسعه روابط کشورهای مختلف باشد. درباره روسیه و ایران هم چنین است. بنابراین این رابطه را می‌توان در سه سطح مورد توجه قرار داد؛ یکی سطح دوجانبه و دیگری منطقه‌ای و بین‌المللی است. دو کشور در سطح دوجانبه به نوعی مکمل یکدیگر برای تأمین منافع هم هستند و در همکاری‌های امنیتی و تسلیحاتی نقاط مشترک دارند. در سطح منطقه‌ای، منافع مشترکی که در سوریه وجود دارد به عنوان یکی از حوزه‌های موفقیت‌آمیز نشان داد دو کشور می‌توانند با همکاری یکدیگر منافع ملی خود را تأمین کنند. مدیریت بحران در قفقاز جنوبی و تأمین امنیت منطقه‌ای هم در قفقاز و هم در آسیای مرکزی مهم است. به هر حال منافع و تهدیدات مشترکی علیه هر دو کشور وجود دارد که می‌تواند همکاری طرفین را در سطح منطقه‌ای موجه کند. در سطح بین‌المللی مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا مطرح است. به هر حال سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا در نظام بین‌الملل بسیاری از کشورها را به این نتیجه رسانده که باید با هم همکاری کنند. همچنین از منظر امنیت چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، ایران و روسیه هر دو موافق یک نظم چندجانبه در روابط بین‌الملل هستند که همکاری‌های آنها را عقلانی می‌سازد و همین‌طور مشارکت در تأمین امنیت بین‌المللی که یک حوزه آن می‌تواند تروریسم باشد یا تهدیداتی که از ناحیه سایر کشورها مطرح است.

■ **ضرورت شکل‌گیری ائتلاف‌های چندجانبه جهت مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا به فهم سیاستگذاران روسی تاجه اندازه بر رویکرد متمایل به ایران در معادلات جدید بین‌المللی اثرگذار بوده است؟**

